

# “چرا در مسیحیت مراسم سوگواری و عزاداری برای پیامبران وجود ندارد؟”



کشیش مهران پورپشنگ

چرا در تقویم سالانه مسیحیت، سالگرد وفات یا شهادت پیامبران کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) مشاهده نمی شود؟ آیا عدم برگزاری مراسم عزاداری برای پیامبران خدا، بی احترامی نیست؟ آیا این بی توجهی گناه قلمداد نمی شود؟

نخست باید اطمینان حاصل کرد که آیا در کتاب مقدس، خداوند تعلیم و حکمی مبنی بر برگزاری سالگرد وفات یا شهادت پیامبران ارائه داده است یا خیر. اگر کسی حتی یک بار کتاب مقدس را خوانده باشد، بی تردید می داند که چنین حکمی از سوی خداوند وجود ندارد. دلیل آن هم واضح است: خواست و اراده خداوند این است که تمام توجه و تمرکز ما بر او باشد. در عهد عتیق می خوانیم که خداوند جسد موسی را در مکان نامعلومی دفن کرد تا او به بت و مقبره اش به بتکده تبدیل نشود. خداوند می دانست که نسل های بعدی قوانینی را وضع خواهند کرد تا هر یهودی موظف باشد برای دریافت قدوسیت، زیارت مقبره موسی را در صدر انجام امور مذهبی قرار دهد. در حالی که قدوسیت به زیارت از قبور مردگان ارتباطی ندارد. قدوسیت یعنی خداوند زندگی مان را کنترل کند و سیرت ما را دگرگون سازد. از نقطه نظر خدا، قدوسیت جزء اجناس لوکس نیست. قدوسیت یک امر ضروری است. کلام خدا می فرماید: “بکوشید تا با مردم در صلح و صفا به سر برید و دلی پاک و زندگی مقدس داشته باشید، زیرا تا پاک و مقدس نباشید، خداوند را نخواهید دید” (عبرانیان فصل ۱۲ آیه ۱۴). بنابراین، کلیه کسانی که از قبر خالی مسیح زیارت کرده اند، از مومنین و مقدسین محسوب نخواهند شد، بلکه وقتی شباهت عیسی مسیح را در زندگی خود به عنوان مهم ترین چیز در نظر داشته باشند، مقدس خواهند شد.

نکته دوم این که کتاب مقدس ایام سوگواری و عزاداری را به توبه و بازگشت انسان به سوی خدا محدود کرده است. برای برقراری ارتباط با خدا، توبه یگانه راه است. توبه دری است به سوی قدوسیت. توبه واقعی به اعتراف زبانی ختم نمی شود، بلکه باید با اصلاح اخلاق و رفتار و تغییر رویه فرد همراه باشد. در مسیر توبه، روح القدس به انسان کمک خواهد کرد تا تحول را در گفتار و رفتار تجربه کند.

وقتی پیامبر خدا این جهان را ترک کرد و نزد خدا رفت، سوگواری و عزاداری چه معنایی دارد؟ هنگامی که پیامبر زندگی ابدی خویش را در حضور خداوند آغاز نموده و بسیار شادمان است، چرا پیروان خداوند باید به گریه و عزاداری بپردازند؟ تردیدی نیست که نسلی که شاهد ظهور و فعالیت آن پیامبر بود، برای مدتی در غم و ماتم فرو می رود، اما به آن معنا نیست که تا دنیای فانی باقی است ما باید هم چنان به عزاداری ادامه دهیم. این نکته سبب معطوف شدن توجه ما به آن پیامبر خواهد شد و خدا در مرحله دوم قرار می گیرد. به همین دلیل است که حکم الهی “عزاداری برای پیامبران” در کتاب مقدس مشاهده نمی شود.

دلیل سوم، خدا در بهشت کاملاً شاد است. بنابراین، کسانی که در بهشت به سر می برند، در شادی بی نهایت الهی زندگی می کنند. اگر در بهشت شاد نباشیم، به این معنا است که در جهنم هستیم. جهنم نمی تواند شادی را از بهشت برباید. در بهشت نگرش و احساسات کاملاً تغییر یافته است. به عبارت دیگر، دیدگاه و احساسات انسان ها واکنشی است به محبت و لطف بی حد و حصر خداوند.

دلیل چهارم، افزایش روزهای عزاداری در این دنیای سقوط کرده و آغشته به گناه که وقایع تلخ و سوانح غیرمترقبه جزء لاینفک زندگی روزمره انسان ها می باشد، سبب افسردگی و غم و اندوه بیشتر مردم خواهد شد. در نتیجه، این سؤال مطرح می شود که آیا خداوند از شادی نفرت دارد؟ برخی نیز تصور می کنند شاد زیستن یعنی ارتکاب به گناه!

دلیل پنجم، عدم دسترسی یهودیان و مسیحیان به مقبره های مقدسین است. برخی از قبور در اثر تاخت و تاز دشمنان اسرائیل در طول دوران باستان ویران گردیدند. برخی نیز مانند مقبره ابراهیم، اسحاق و یعقوب در اختیار مسلمانان است و غیر مسلمانان اجازه زیارت ندارند. مقبره های دانیال و استر نیز در ایران است و یهودیان ساکن اسرائیل نمی توانند به ایران سفر زیارتی داشته باشند. بنابراین در می یابیم که خداوند ترتیبی داده است که این مقبره ها خارج از دسترس مومنین و ایمانداران مسیحی و یهودی باشد، تا فقط به خدا توکل و اعتماد کنند و توجه خویش را به رشد روحانی معطوف نمایند.

دلیل ششم، سالگرد مرگ مسیح بر روی صلیب، روز سوگواری و عزاداری نیست. مسیحیان می دانند که عیسی آمد تا کار نجات انسان از قلمرو قدرتمند شیطان را تمام کند. عبارتی که مسیح به هنگام مرگ بر زبان آورد “تمام شد”، به معنی به طور کامل پرداخت شد می باشد. مسیح جریمه کامل گناهان ما را پرداخت. این اتفاق، نه سوگواری بلکه خبر خوش برای جهانیان است. بنابراین نیازی نبود که مسیح مدت طولانی در قبر بماند. او برای گناهان ما مرد و کم تر از چهل و هشت ساعت بعد زنده شد. فرستادن رسولان و پیامبران برای خدا کار بسیار آسانی بود. اما وقتی خدا تصمیم گرفت که برای نجات انسان، توسط مسیح خود را فدا سازد، محبت و فروتنی خالص و ارزشمند الهی را به تصویر کشید.

کلام خداوند چنین تعلیم می دهد: “در خداوند دائماً شاد باشید و باز هم می گویم شاد باشید” (فیلیپیان فصل ۴ آیه ۴). روح القدس این شادی الهی را به ما خواهد بخشید. وقتی روح القدس شادی الهی را عطا کند، بدین معنا است که خدا در ایماندار مسیحی سکونت دارد. مقاله را با این جمله مسیح که ساعاتی قبل از دستگیری و اعدامش بیان کرد، خاتمه می دهیم: “دل شما شاد خواهد گشت و هیچ کسی آن شادی را از شما نخواهد گرفت.” (یوحنا فصل ۱۶ آیه ۲۲).